

# مفهوم‌شناسی زایش و باروری در فعالیت‌های روزمره زنان روستایی کرد ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۶)

پروین بابایی<sup>۱</sup>  
سمیه زادامیری<sup>۲</sup>  
الهام طیبی<sup>۳</sup>

## چکیده

زایش، باروری و فراوانی مفاهیمی هستند که در جوامع نخستین، فعالیت‌های روزمره مردم را تحت تأثیر قرار داده و در زندگی روستایی که مبتنی بر اقتصاد کشاورزی و دامپروری است، همچنان ارزش خود را حفظ کرده است. در روستاهای کُرد، انجام برخی امور در حیطه وظایف انحصاری زنان قرار دارد و مردان حق ورود به این فعالیت‌ها را ندارند. نمونه‌های مورد مطالعه در این مقاله که نسبت مستقیمی با مفاهیمی همچون برکت، زایش و فراوانی دارند، عبارت‌اند از: (۱) ساختن و زدن مشک، (۲) دوشیدن گاو و گوسفندان، (۳) ساختن تنور و پخت نان. هر سه این وظایف که به شکلی آیینی و گاه همراه با کارآواهای مخصوص انجام می‌شوند، به کنشگری زنانه مربوط می‌شوند. به نظر می‌رسد جایگاه زنان به عنوان مظاهر زایش و باروری با انجام این فعالیت‌ها تقویت می‌شود و در مقابل تصور می‌رود انجام این امور با دخالت عامل زنانه برکت و فراوانی به محصول می‌بخشد. به عبارتی از طریق مطالعه این فعالیت‌ها می‌توان تا حد زیادی به جایگاه زن در فرهنگ مادی این مردمان پی برد. مقاله حاضر میدانی و اسنادی است و تلاش دارد با بررسی فعالیت‌های روزانه مختص زنان کُرد، به این پرسش پاسخ دهد که چگونه مفهوم زایش و باروری در این فعالیت‌ها نمایان می‌شود؟ این مقاله با بهره‌گیری از نظریه عاملیت آلفرد جل به بررسی شیوه تعامل کار و زن در جامعه روستایی کُرد می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: باروری، زایش، زن، کردستان، فرهنگ، عاملیت، جنسیت.

۱. دانشجوی دکتری هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده مسئول). رایانامه: babaei@tabriziau.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز. رایانامه: S.zadamiri@tabriziau.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

## ۱. مقدمه

در جوامع کهن، باروری و زایش از مسائل بسیار مهم و حیاتی بشر بوده و بسیاری از جنبه‌های اسطوره‌ای یا نمادین فعالیت‌های انسان، ریشه در اهمیت موضوع فراوانی و برکت و تولید مثل دارد. این باورها اگرچه از زندگی مدرن رخت بر بسته، در میان اقوام و جوامع ایلی و روستایی، بویژه جوامعی که شیوه معیشتی آنها بر کشت و کار و دامپروری استوار است، همچنان ارزش خود را حفظ کرده است؛ زیرا این مردمان با مسائلی همچون کشت و زرع و پرورش دام که بستگی مستقیمی به شرایط طبیعت و وضع آب و زمین دارد، روبه‌رو هستند و این اندیشه در بسیاری از فعالیت‌های روزمره آنان به طرق مختلف بازتاب می‌یابد.

گردها جزو قدیمی‌ترین اقوام ساکن در فلات ایران به‌شمار می‌روند و اغلب به شغل کشاورزی و دامپروری اشتغال دارند. به همین دلیل فراوانی و باروری در میان ایشان از اهمیت قابل توجهی برخوردار است و فعالیت‌ها و کارهای روزمره آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و حتی بر پایه این باورها، کارهای مختلف بر اساس گروه سنی و جنسیتی خاصی تقسیم‌بندی می‌شود؛ زیرا بنا به باور آنان، نحوه شرکت در امور مختلف و نوع رابطه انسان با آن در میزان محصول و نتیجه حاصل از کار مؤثر است. بنابراین بسیاری از کارها طبق آداب و اصول منطبق با تلقی آنان از باروری، برکت و زایش انجام می‌شود. این امر سبب شده است که برخی از کارها صرفاً مخصوص زنان باشد و مردها حق دخالت در آن را نداشته باشند و بالعکس. بنا به اعتقاد آنان، حضور زنان در امور مخصوص مردان و برعکس، سبب از میان رفتن خیر و برکت در امور می‌شود.

به دلیل آنکه زنان در فرهنگ‌های نخستین از مظاهر باروری بوده‌اند، انجام برخی کارها به آنان اختصاص و انحصار یافته است. در اینجا به سه نمونه از این امور اشاره می‌شود که از وظایف زنان به‌شمار می‌رود و طبق آداب خاصی صورت می‌پذیرد: (۱) ساختن و زدن مشک، (۲) دوشیدن گاو و گوسفندان، (۳) ساختن تنور و پخت نان. در هر سه این موارد، نوع برقراری ارتباط با کار به نحوی است که بر اهمیت باروری و

## مفهوم‌شناسی زایش و باروری در فعالیت‌های روزمره زنان روستایی گرد ایران ❖ ۱۳۳

زایش تأکید می‌ورزد. این مقاله با استفاده از نظریه عاملیت آلفرد جل<sup>۱</sup> به ساز و کار پردازش نمادها از سوی زنان گرد می‌پردازد. شایان ذکر است که مطالب به صورت اسنادی و میدانی (مشاهده) از مناطق کردنشین کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و خراسان شمالی گردآوری شده است.

مهم‌ترین کلیدواژه مفهومی این مقاله باروری و زایش است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. ضرورت تولید، نقش تعیین‌کننده‌ای در سازمان اجتماعی دارد. به این دلیل ساده که تولید، شرط لازم تداوم حیات جامعه است. یک جامعه می‌تواند اجرای آیین‌ها و مناسک خود را متوقف کند، بدون آنکه هستی خود را از دست بدهد. اما اگر تولید خود را متوقف کند، هستی فیزیکی خود را از دست خواهد داد. روابط کار که بر محور این ضرورت پدید آمده‌اند، بسیار نزدیک و روزمره‌اند (فکوهی، ۱۳۹۸: ۲۸۷). با توجه به این ضرورت، زنان در جامعه، بازتولید جنسیت را بر عهده دارند. (همان: ۲۳۸)

پس از دوران نوسنگی، زن قدرت بسیاری می‌یابد و شأن و منزلتی شایان کسب می‌کند؛ زیرا در آن دوران، کار زن کشاورزی و کار مرد دامداری بود. بنابراین زن به اقتضای کار و اشتغالش، مادر و سرور طبیعت دانسته می‌شود و ایزد بانوان رواج می‌یابد (ستاری، ۱۳۸۴: ۶). ایزد بانوان در ایران باستان خویش‌کاری باروری و زایش و برکت را بر عهده داشتند. در این میان هر شیء یا پدیده‌ای که با زمین، آب و زایش ارتباط داشته باشد، به عنوان یک نشانه، نسبت مستقیمی با زن و جایگاه او می‌یابد. در کتاب بندهش درباره زن آمده است: «در روز نخست هورمزد به زن فرمود: ای زن تو را آفریده‌ام تا مردان پارسا و پهلوان به وجود آوری و در آغوش پُرمهر خود پرورش دهی تا به یاری آنان ریشه نادرستی و ناپاکی برافتد» (شهریاری، ۱۳۷۹: ۴۵). ایزد بانوی کبیر که با نام‌های گوناگونی چون استارت، ایشتار، اینانا، نینا و بسیاری دیگر شناخته می‌شد، نماد نیروی مادینه زندگی بود که با طبیعت و باروری پیوندی عمیق داشت و مسئول آفرینش زندگی و نابودی زندگی شناخته می‌شد. (بولن، ۱۳۸۴: ۳۲)

1. alfred gell

## ۲. پیشینه پژوهش

شهبیر (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به آیین‌های زایش در فرهنگ عامه منطقه لارستان می‌پردازد و آیین‌های مربوط به نامگذاری و تولد و زایمان را بررسی می‌کند. مالمیر و پناهی (۱۳۹۳) به بررسی و تحلیل آیین‌های باروری در شاهنامه فردوسی پرداخته است. سبزه‌علیپور (۱۳۹۲) در مقاله‌ای آیین عروس گولی از آیین‌های باروری گیلان را از منظر اسطوره‌شناختی بررسی کرده است. علیزاده و عشایری (۱۳۹۹) آیین‌های زایش در فرهنگ و ادبیات عامه استان بوشهر را مورد مطالعه قرار داده‌اند.

## ۳. چارچوب نظری

نظریات مورد استفاده در این مقاله جنسیت و عاملیت است که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

### - جنسیت

یکی از متغیرهای تنظیم زندگی اجتماعی و رفتارهای اجتماعی، جنسیت است (گروسی، ۱۳۹۵: ۱۷). واژه جنسیت مقوله‌ای اجتماعی است. این واژه مشمول رفتارها، نقش‌ها، کنش‌ها و اندیشه‌های اجتماعی است که فرهنگ حاکم در هر جامعه به عهده دو جنس زن و مرد می‌گذارد و در ارتباط با نقش‌های جنسیتی افکار قالب در مورد هر دو جنس در جامعه دیده می‌شود که دامنه انتظارات از هر دو جنس را تعیین می‌کند (انصاری، ۱۳۹۱: ۹-۱۰). جنسیت به‌عنوان سازه‌ای اجتماعی - فرهنگی، هم در درون کنش‌های متقابل اجتماعی ساخته می‌شود و هم بر چگونگی انجام کنش‌های متقابل تأثیر می‌گذارد (گروسی، ۱۳۹۵: ۱۱). «هویت جنسی و نقش‌های جنسی معمولاً دوشادوش هم تحول می‌یابند (فریسیر: ۱۹۸۵) و این جامعه است که نقش‌های جنسی را تعریف می‌کند و آن نوع رفتاری را که برای یک مرد یا یک زن شایسته است، مشخص می‌سازد» (بیتس و بلاگ، ۱۳۷۵: ۴۰۸). انسان‌شناسی جنسیتی در پی مطرح کردن موضوعات متعدد در زمینه‌های متفاوت فعالیت انسان‌هاست تا موقعیت زنان و مردان را در چارچوب این کنش‌ها ببیند و با جمع‌آوری داده‌ها و مشاهدات این کنش‌ها آنها را

## مفهوم‌شناسی زایش و باروری در فعالیت‌های روزمره زنان روستایی گرد ایران ❖ ۱۳۵

شرح، تحلیل و تفسیر کند و این تحلیل‌ها و تفاسیر را در چارچوب دیدگاه‌های نظری و مکاتب فکری مشخص قرار دهد. (نرسیسیانس، ۱۳۸۳: ۱۰)

تقسیم زنان/ مردان بر مبنای زیرساخت‌های بیولوژیکی و هنجارهای اجتماعی پیرامون فرهنگ، ایجاد شده است. ویژگی‌های بیولوژیکی یا طبقه‌بندی از طبیعت زنان و مردان، شکل استاندارد شده‌ای به خود گرفته و منجر به این جهت‌گیری شده که چه رفتارهایی ذاتاً مردانه و چه رفتارهایی ذاتاً زنانه است (بحرانی، ۲۰۰۵: ۱۵). بنابراین تفاوت‌های جنسیتی، جنبه فرهنگی دارد و این فرهنگ است که نقش‌ها را برای دو جنس رقم می‌زند (نرسیسیانس، ۱۳۸۳: ۳۹). نقش‌های جنسیتی - یعنی اهداف و اعمالی که فرهنگ به صورت عقاید قالبی جنسیتی بر عهده جنس‌های زن و مرد گذاشته است - بر اساس عوامل مختلفی از قبیل وضعیت اقتصادی، محیط زیست و... تعیین، تعریف و تبیین می‌شود (همان: ۴۰). فرهنگ عموماً شامل دو گروه از پدیده‌هاست؛ پدیده‌های مادی یا رفتاری و پدیده‌های غیرمادی یا فکری. فرهنگ مادی شامل عناصر فرهنگی می‌شود که به صورت مستقیم، به وسیله یکی از حواس ما قابل تشخیص هستند؛ یعنی می‌توان آنها را دید، شنید، لمس کرد و... (فکوهی، ۱۳۹۱: ۱۰۷). جنبه‌های غیرمادی فرهنگ برای تداوم نیاز دارند که به صورت فرهنگ مادی تجسم یابند. هویت زنانه و مردانه می‌تواند در قالب کار و فعالیت متبلور شود. زنان و مردان در روند اجتماعی شدن به نقش‌های اجتماعی خود پی می‌برند و درمی‌یابند انتظارات جامعه از آنها چیست. (نرسیسیانس، ۱۳۸۳: ۱۱)

### - عاملیت

آلفرد جل در نظریه خود، عمل کردن را به مثابه عاملیت یا فرایندی متشکل از شاخص‌ها و آثار بیان می‌کند (جل، ۱۳۹۰: ۱۲). جل، عاملیت را به کسانی یا چیزهایی اطلاق می‌کند که آغازگر سلسله‌ای علی از نوعی مشخص‌اند؛ یعنی رویدادهایی که بیشتر با اعمال ذهن یا اراده یا قصد ایجاد، به وجود می‌آیند تا گردش زنجیره‌وار رویدادهای فیزیکی. عامل کسی است که سبب رخ دادن رویدادها در اطراف آنها می‌شود. همچنین «عامل، منبع و منشأ رویدادهای علی است؛ مستقل از وضعیت جهان

## ۱۳۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

فیزیکی» (همان: ۴۳). به عبارت دیگر، فرض می‌شود آنچه از سوی شخص - عامل یا شیء - رخ می‌دهد (به معنای مبهم) عامل پیشاپیش قصد شده است. هرگاه باور بر آن باشد که علت رخداد، قصدی است که در شخص یا شیء جای گرفته است تا زنجیره علی را آغاز کند، مثالی از عاملیت محسوب می‌شود... از نظر جل، به دلیل اینکه ما از درون تنها به ذهن انسان و در واقع فقط به یک نمونه از آن، یعنی ذهن خودمان دسترسی داریم، از همین رو ذهن انسان ناگزیر ذهنی اجتماعی است، زیرا تنها در زمینه اجتماعی است که ذهن خود را می‌شناسیم. عمل رخ داده (کنش) نمی‌تواند به صورت دیگری جز صورت اجتماعی مفهوم‌سازی شود (همان: ۴۴). به تعبیر گیدنز کنشگران در جریان زندگی عملی خود معناهای جهان اطرافشان را تولید می‌کنند و از این طریق تجربه‌های خود را سامان می‌بخشند و بدین ترتیب برای کنش‌های خود هویت‌سازی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۹۵: ۱۲۸). بنابراین عاملیت می‌تواند به ساختن یا تقویت هویت‌ها منجر شود.

### ۴. بحث و بررسی

در تفکر انسان‌های جهان باستان، بعضی از امور جایگاهی با اهمیت‌تر از سایر مسائل یافته‌اند؛ به طوری که گاه به عنوان اموری مقدس یا خارق‌العاده پذیرفته شده‌اند. باروری یکی از این امور است و همان‌طور که می‌دانیم انسان‌ها در روزگاران قدیم به روش‌های مختلفی امر باروری را تقدیس کرده‌اند (فکوهی، ۱۳۹۸: ۲۳۷). برای مثال می‌توان از ایزد بانوی بزرگ نام برد. زهدان تاریک ایزد بانوی بزرگ در دوران دیرینه‌سنگی در درون غارها و در دوران نوسنگی، با پیدایش کشاورزی، در زمین تصور می‌شد. انسان‌ها می‌پنداشتند که از او زاده می‌شوند، از سوی او تغذیه می‌کنند و به سوی او به زمین برمی‌گردند. آنان تخم را در زهدان او، یعنی زمین می‌کاشتند، محصول را به عنوان عنصری از تن او درو می‌کردند و با تغییر شکل آن به نان، از آن تغذیه می‌کردند. از دوران دیرینه‌سنگی علیا نمادهایی وجود دارند که باروری ایزد بانو را نشان می‌دهند. «به همین دلیل نیز خود ایزدبانو بیشتر باردار است و در بسیاری از موارد این ایزد بانوی باردار در برابر اجاق نان‌پزی ستایش می‌شده است. اما از آغاز دوران

## مفهوم‌شناسی زایش و باروری در فعالیت‌های روزمره زنان روستایی گرد ایران ❖ ۱۳۷

نوسنگی این ایزد بانوی کهن به ایزد بانوی کشاورزی تبدیل می‌شود که حامی تمام محصولات، بویژه گندم و نان است. از همان ابتدا نان را هدیه ایزد بانوی بزرگ تصور می‌کردند و به شکل دایره می‌پختند، زیرا دایره را نیز نماد او می‌دانستند. شواهدی در دست است که در سومر برای اینانا<sup>۱</sup>، ایزد بانوی بزرگ، نان ویژه‌ای می‌پختند و به نام ایزد بانو می‌خواندند. این نان به خود ایزد بانو پیشکش می‌شد که سرچشمه ایجاد آن بود. نان باروری تن او به شمار می‌آمد که برای تغذیه به فرزندانش می‌بخشید». (مختاریان و شکری، ۱۳۹۰: ۱۳۹)

به این ترتیب بعضی از موجودات یا پدیده‌های جهان مادی در امر باروری و فراوانی، نقش مهم‌تری دارند. در واقع در جوامع ابتدایی که انواع خطرهای طبیعی حیات را تهدید می‌کند، اهمیت زایش و فراوانی مشخص‌تر و مهم‌تر می‌شود. درک مفهوم زن در قالب طبیعت و مرد در قالب فرهنگ، یکی از اشکالی است که در بیشتر جوامع انسانی و در روند شکل‌گیری اجتماعی به چشم می‌خورد (فکوهی، ۱۳۹۸: ۲۳۷). ضمن آنکه گردها به دلیل موقعیت جغرافیایی سکونت‌گاهشان که همواره در معرض تاخت‌وتاز تمدن‌های بزرگ قرار داشته است، حیات خود و بقای داشته‌هایشان را در معرض خطر نابودی ناگهانی می‌دیده‌اند و به این دلیل زایش در میانشان بسیار اهمیت یافته و این اهمیت در گذر روزگاران طولانی حفظ شده است. در واقع نیازها، پاسخی سازمان‌یافته از سوی انسان دریافت می‌کنند که در قالب و شکل فرهنگ خود را نشان می‌دهد (همان: ۱۶۷). در فرهنگ بومیان گرد، جابه‌جا به نمادهایی برمی‌خوریم که در خود، ستایش و تقدیس باروری را نهفته دارند.

اشتغال‌های روزمره زن در جامعه گرد بسیار گسترده است. این فعالیت‌ها طیف وسیعی از نگهداری کودکان و امور منزل و خانواده تا کارهای تولیدی همچون نخ‌ریسی و بافت انواع دست‌بافته‌ها، فرآوری محصولات لبنی، تولید آرد و پخت نان و ... را دربرمی‌گیرد. اما در این میان، برخی از فعالیت‌ها به نحوی آشکار بر اهمیت نقش باروری و فراوانی تأکید می‌کنند. محور این فعالیت‌ها به گونه‌ای است که ارتباط

## ۱۳۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مستقیمی با برخی از نمادهای باروری و برکت در میان گردها، همچون گاو و زمین دارند. این امور عبارت‌اند از: ساختن تنور، مشک‌زنی، و دوشیدن گاو با توجه به آنچه در مورد انسان‌شناسی جنسیتی گفته شد، مفهوم زایش و باروری در اقوام گُرد در هر سه این فعالیت‌ها که برای تولید غذا صورت می‌گیرند، باعث به وجود آمدن قشربندی جنسیتی می‌شود؛ چون مردان بیش از زنان در محیط خارج فعالیت می‌کنند، حال آنکه بیشتر اوقات فعالیت زنان، در محیط خانه است. در ادامه درباره سه فعالیت موردنظر در این مقاله توضیح داده خواهد شد.

### ۴-۱. ساختن، آماده کردن و زدن مشک

یکی از فعالیت‌های تولیدی مهم در میان جوامع روستایی و ایلات دام‌پرور، تبدیل شیر به محصولات مختلف است و در این میان تولید گره از نظر نوع فعالیت و صرف وقت، مراحل بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد. ابزار اصلی این کار، مشک است که معمولاً از پوست بز یا گاو تهیه می‌شود. ساختن و آماده کردن مشک برای استفاده و نیز تهیه گره از طریق آن، از وظایف زنان به‌شمار می‌رود. برای ساختن مشک باید پوست حیوان بدون زدگی یا پارگی جدا شود. پس از طی مراحل همچون عمل آوردن، برای به دست آوردن محفظه مورد نظر، محل دست و پای حیوان را می‌دوزند و دست‌ها و پاها را به صورت جفت جفت با دو تکه چوب به هم وصل می‌کنند. در قسمت میانی این چوب‌ها حفره‌ای ایجاد می‌کنند و چوبی بلندتر را طوری در موازات طول پوست حیوان قرار می‌دهند که دو سر آن داخل حفره‌ها محکم شود. جنس این چوب باید محکم باشد، اما در هر صورت در ترانه‌های کار، از آن با عنوان چوب انار یاد می‌شود؛ احتمال می‌رود در گذشته از چوب انار برای این کار استفاده می‌شده و یا اینکه چوب انار به دلیل استحکام و مقاومت آن در برابر پوسیدگی، یکی از چوب‌های مصرفی برای این کار بوده باشد. کارکرد اصلی این چوب ثابت نگه‌داشتن فرم مشک است؛ به طوری که پُر و خالی کردن یا زدن مشک آسان‌تر صورت گیرد (تصویر ۱).



تصویر ۱: مشک (پایگاه اطلاع‌رسانی گیوه‌دوز)

## ۴-۲. آوای مشک‌زنی

معمولاً در حین مشک‌زنی آواها یا ترانه‌هایی در توصیف مشک یا زنی که مشک را تکان می‌دهد، خوانده می‌شود. این ترانه‌ها سبب نیرو گرفتن زنان می‌گردد، به نحوی که بر بازدهی و به انجام رساندن کار تأثیر می‌گذارد. زنان با خواندن این ترانه‌ها از مشک خود برکت و فراوانی طلب می‌کنند. این ترانه‌ها اگرچه به گویش‌های مختلفی در میان گردان رایج است، اما در میان تمام مردمان کرد مضامینی مشترک دارند. برای مثال در یکی از ترانه‌های سورانی که هنگام مشک‌زدن خوانده می‌شود، به زن زیبای جوان، فصل بهار، بار فراوان و ماده گاو اشاره می‌شود:

هه‌ی ماله بابم مه‌شکی / مه‌شکه‌م مانگایه / ده‌ی ژینی ئه‌و ره‌ئنایه / وه‌ک  
پاله‌وانی وایه / هه‌ی ماله بابم مه‌شکی / ئه‌وه ئه‌و رو به‌هاره / مه‌شکه‌م رونی به‌باره / چهند  
جوانه چهند له‌باره

برگردان: مشک من خانمان من است / مشک من، از پوست ماده گاو است / آن زن  
زیبا آن را به هم می‌زند / که به پهلوانی می‌ماند / مشک من خانمان من است / امروز بهار  
است / مشکم بارش روغن است / چه زیبا و چه پر بار است. (صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ۸۸)

## ۱۴۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

یا در این ترانه به جوش و خروش مشک، گره فراوان، عدد هفت، رنگ سرخ و درخت انار اشاره می‌شود:

م‌شک‌ه سورهم هانه‌ی تی / که‌ره‌ی دانه دانه‌ی تی / م‌شک‌ه سورهم نه‌خولی‌ته‌و /  
 که‌ره‌ی هفت مال نه‌چنی‌ته‌و / م‌شک‌ه سورهم نه‌نالی / که‌ره‌ی هفت مال نه‌مالنی /  
 ناونیرک م‌شک‌ه توسی‌یه / م‌شک‌ه ژهنم برسی‌یه / ناونیرک م‌شک‌ه هه‌ناره / م‌شک‌ه ژهنم  
 گولناره

برگردان: مشک سرخ من صدا می‌دهد / و کره دانه دانه می‌دهد / مشک سرخ من  
 می‌چرخد / و برای هفت خانه گره فراهم می‌کند / مشک سرخ من ناله می‌کند / و برای  
 هفت خانه گره می‌دهد / مشک من چوبش توسی<sup>۱</sup> است / و مشک‌زن، گرسنه است /  
 مشک من چوبش از درخت انار است / و نام مشک‌زن، گلنار است.

در این ترانه توصیف جوش و خروش و حرکت مشک و بیت‌هایی که در وصف  
 اجزای آن سروده می‌شود، وسیله‌ای است برای تهییج و استمرار بخشیدن به پویایی  
 مشک، به این امید که این حرکت پوینده، زایشی در پی داشته باشد. «م‌شک‌ه سور»<sup>۲</sup> یا  
 «مشک سرخ» اولاً به رنگ غالب مشک‌ها که سرخ رنگ هستند، اشاره می‌کند و از  
 طرفی به سرزندگی و شادابی و جوانی مشک دلالت دارد. زیرا رنگ سرخ در فرهنگ  
 گردها رنگ شادمانی و حیات است. چنانچه واژه «سور» علاوه بر رنگ سرخ، در  
 عین حال به جشن و عروسی نیز اطلاق می‌شود<sup>۳</sup>. همچنین عدد «هفت» در ادبیات گردی  
 استعاره از فراوان و بی‌شمار است و بنابراین هفت خانه یعنی خانه‌های بی‌شمار. زنی که  
 این ترانه را می‌خواند، از مشک خود جوانی و سرزندگی و زاینده‌گی بی‌پایان را طلب  
 می‌کند. مصرع‌های دوم دو بیت پایانی ترانه، گویی برای مشک گفته می‌شود؛ زیرا  
 معنای این دو مصرع چنین است: مشک‌زن من گرسنه است. مشک‌زن من نامش گلنار  
 است. سراینده ترانه شاید به این طریق خواسته باشد مشک را نیز به هم‌آوایی با خود  
 بخواند. درخت انار در عموم ترانه‌هایی که برای مشک‌زنی خوانده می‌شود حضور دارد،

۱. توسی نام نوعی چوب است.

2. maška sura

۳. در مقابل «شین»، هم به معنای رنگ آبی و هم عزا و ماتم است.

### مفهوم‌شناسی زایش و باروری در فعالیت‌های روزمره زنان روستایی کرد ایران ❖ ۱۴۱

اما صراحتی که در این ترانه مشاهده می‌شود، در کمترین ترانه دیگری به چشم می‌خورد؛ زیرا چوب انار به صراحت، نقشی جنسیتی به خود گرفته است. اما در ترانه‌های دیگر که به نظر می‌رسد متأخرتر باشند، درخت انار بیشتر جنبه توصیفی دارد. و نیز:

مه‌شکه‌م له دار هه‌ناره / بیری بان ده‌سروکه‌ی لاره / تا دای ریژنی بارانی / ئه‌وه‌ل مانگی به‌هاره.

برگردان: چوب مشکم از درخت انار است / و دسته‌هایش کج شده است / اول بهار است و باران می‌بارد.

در این ترانه نیز چنان‌که می‌بینیم بهار و باران و لبریز بودن مشک و نیز درخت انار حضور دارند. مشک‌زن با یادآوری بهار و بارش باران، مشک را تشویق به زاینده‌گی می‌کند.

در ترانه‌ای به گویش کردی کلهری نیز به مضامین جالب توجهی برمی‌خوریم: مه‌شکه بژه‌نیه، زه‌روه‌رانت که‌م / خوم و خاون زه، وه قربانت که‌م / مه‌شکه بژه‌نیه، تا به‌رت بونم / جلاو نیشتگه، شو که‌ژ بسینم  
برگردان: ای مشک زده شو تا زر بارانت کنم / و خودم و صاحب زر را قربانت کنم / ای مشک زده شو تا کرهات را بینم / و از دوره‌گرد که نشسته است پیراهنی بخرم  
در این ترانه نیز تشویق مشک به بارآوری و محصول بیشتر به چشم می‌خورد.

### ۳-۱. دوشیدن گاو و گوسفندان: علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گاو و گوسفندان و به طور کلی جانوران اهلی سرمایه اصلی جوامع دام‌پرور کرد به‌شمار می‌آیند. در این میان گاو نسبت به سایر حیوانات از ارزش بیشتری برخوردار است و ثروت و جایگاه اجتماعی خانواده در جامعه ایلی و روستایی کرد بستگی تام به تعداد رمه و بویژه گاوهای وی دارد. گاو علاوه بر تأمین منابع خوراکی، در شخم‌زدن زمین نیز دارای نقش ویژه‌ای است. همچنین فضولات گاوی منبع مهمی برای تأمین

۱. کنایه از پُری و لبریزی مشک است.

## ۱۴۲ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

سوخت به شمار می‌رود. بنابراین جای شگفتی نیست که چرا گاو در جوامع ابتدایی تا این اندازه ارزشمند است و هم به این دلیل است که قربانی کردن گاو از مهم‌ترین و ارزشمندترین قربانی‌ها محسوب می‌شود. دوشیدن حیوانات از اموری است که بر عهده زنان خانواده گذاشته شده و در این میان دوشیدن گاو نسبت به سایر حیوانات یعنی گوسفند و بز از آداب و تشریفات بیشتری برخوردار است. اهمیت امر دوشیدن گاو را در فراوانی ترانه‌ها و کارآواهای شیردوشی می‌توان مشاهده کرد. اینکه زنان به‌هنگام کار و تلاش آوازخوانی یا ترانه‌خوانی می‌کنند، ریشه‌های آیینی تاریخی دارد؛ این تصور که آواز خواندن سبب افزایش شیر حیوان می‌شود. علاوه بر آن، در جوامع کهن، جانوران سودبخش طبیعت همواره مورد ستایش بوده‌اند و به همین دلیل دوشیدن شیر، همواره با نوعی زمزمه شکر به درگاه خدا و تقاضای باروری بیشتر همراه بوده است. (جاوید، ۱۳۸۳: ۲۹ - ۲۸)

در این اشعار گاهی ابیاتی خوانده می‌شود که مخاطب آن مادر است. همچنین در ترانه‌های مربوط به دوشیدن شیر مضامینی همچون زن زیبا و جوان و قوی، شیر فراوان، گوسفندان و رمه بسیار، ستایش گاو ماده و ... حضور دارند. این آواها با ضربآهنگی آرام و نوازش‌گرانه خوانده می‌شوند. گاو ارزشی نمادین در میان اقوام گُرد دارد. ارزش حیاتی ورزا [گاو نر] برای حمل بار و شخم‌زدن زمین و ورزاو [گاو ماده] برای گوساله‌آوری و شیردهی، غیر قابل چشم‌پوشی است و به همین دلیل قربانی کردن گاو در میان ایشان به معنای ایثاری همه‌جانبه است. گاو نر و ماده هر دو نمادهای زایش به شمار می‌روند. این مسئله اگرچه در بین اقوام هند و اروپایی مشترک است و حتی در شاهنامه فردوسی نیز از گاو به‌عنوان صاحب فرهی یاد شده است، اما گُردها به شکلی کاملاً اصیل این باورها را حفظ کرده‌اند.

شه‌نگه بیری له ناو مه‌ری / هه‌ل ده‌کا باسکی بادرا ووسپی و ته‌ری / داده‌نیشی له به‌ر بیری / یه‌ک یه‌ک مه‌را خو ده‌ژمیری / ئه‌و مه‌ره که‌وی ساره / شیر زوره وه کوو پاره / جه بیری کاسه پر ده‌کا له شیری / ده‌ییا بو ماست و په‌نیری / ئه‌و په‌نیری ته‌رو تازه / کابانه که زور به نازه

#### مفهوم‌شناسی زایش و باروری در فعالیت‌های روزمره زنان روستایی کرد ایران ❖ ۱۴۳

برگردان: دختر زیبای شیردوش در میان گوسفندان/ گیسوان تر و بافته‌اش را در برابر باد پریشان می‌سازد/ و در جایگاه شیر دوشیدن می‌نشیند/ و یکایک گوسفندان خود را می‌شمارد/ این گوسفند سپید و سیاه است/ مثل پار شیرش فراوان است/ شیردوش کاسه را پر از شیر می‌کند/ و برای درست کردن پنیر و ماست آماده‌اش می‌سازد/ آن پنیر تر و تازه/ که بانویش بسیار طناز و دلریاست. (صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ۸۰)

در ترانه‌ای به گویش کرمانجی واژه «نه‌نه‌مه» به صورت ترجیع‌بند تکرار می‌شود که «مادر من» یا «مادرمان» معنی می‌دهد و در نوع خود ترانه‌ای بی‌نظیر است:

مانگا سوره/ پر وه شیره/ نمنه نمنه نمنه لای/ شیرین جان لای لای  
برگردان: گاو سرخم پر از شیر است، ای مادر من، ای شیرین جان، لای لای

#### ۴-۴. ساختن تنور

در ساختن تنور خانه تمام زنان روستا مشارکت دارند. این کار طی چندین روز متوالی به انجام می‌رسد. هر روز یکی از زنان موظف است طبقه‌ای از تنور را بنا نهد؛ به این ترتیب که یک مفتول گلی را به شکل حلقه درمی‌آورند و به‌عنوان پایه تنور بر زمین قرار می‌دهند. روز بعد زن دیگری حلقه بعدی را به بنا می‌افزاید، تا هنگامی که ارتفاع تنور به اندازه معمول و دلخواه آن برسد. سپس دور و داخل آن را گل اندود می‌کنند و آتشی در قسمت داخلی تنور می‌افروزند تا گل پخته شود و تنور استحکام لازم را پیدا کند. ساختن تنور کاری کاملاً زنانه است و مردان در آن دخالتی ندارند (تصویر ۲).



تصویر ۲. تنور سنتی (پایگاه اطلاع‌رسانی تی‌نیوز،)

## ۵-۲. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

چنان‌که می‌بینیم مشک از جمله ابزارهایی است که در فرهنگ مادی کردها اهمیت قابل توجهی دارد و زنان در ستایش مشک، مضامینی را که بر باروری و زایش و فراوانی دلالت دارد، به کار می‌برند. هر قدر زنی بتواند روغن بیشتری تهیه کند، جایگاه اجتماعی بالاتری نسبت به هم‌نوعان خود به دست می‌آورد. بنابراین مشک عاملی یاری‌کننده در بهبود جایگاه زن گرد است و به عبارت بهتر عامل تقویت‌کننده و بخشی از هویت و منزلت زن به‌شمار می‌رود. به این ترتیب مشک، نقشی همسان با زنی که آن را به کار گرفته است، می‌پذیرد؛ یعنی توان باروری دارد و این توانایی در مراحل مشک‌زنی و خارج کردن محصول نهایی، خود را نشان می‌دهد.

آنچه در بطن این روش تولیدی کاملاً ابتدایی خودنمایی می‌کند، مضامینی است که بر مفهوم زایش، فراوانی و باروری دلالت دارند. عنوانی که به چوب مشک اطلاق می‌شود، در اصطلاح محلی به معنی نرینگی است. در این مفهوم آنچه از تصویر کلی عمل مشک‌زنی استنباط می‌شود، مشک‌ی است پُر، که این چوب را که نماد مردانگی و فرزند پسر است، دربر گرفته و به‌صورتی نمادین، هم‌زمان به هم‌آغوشی و زادن فرزند پسر و در آغوش گرفتن وی نیز اشاره دارد. فعل زدن مشک اختصاص به زنان دارد و هیچ مردی در این فعالیت شرکت نمی‌کند. تمام مراحل اعم از ساختن مشک تا آوردن آب و تهیه محصول نهایی را زنان انجام می‌دهند. در واقع زنان به پوستی که از جانور جدا شده است و دیگر زنده نیست، جان دوباره‌ای می‌بخشند و آن را در فعالیتی نو و در راستای تولد و زایشی دوباره شرکت می‌دهند. بنابراین حضور زن در این کار یک کنش بارورساز نیز به‌شمار می‌رود. به عبارت دیگر فعل مشک‌زنی، استمرار و تداوم نیروی حیات و زایش است که از سوی زنان صورت می‌پذیرد. زنان با ساختن و نیز زدن مشک، به آن نیروی حیات و زایش مداوم می‌بخشند و در عین حال اشعاری را در توصیف مشک خود می‌خوانند و از آن برکت و فراوانی طلب می‌کنند.

به‌طور کلی می‌توان گفت، در فرایند مشک‌زنی، زن از طریق ساختن و کنش بر ابزار خویش تأثیر می‌گذارد. حتی فرایند خالی کردن گره از مشک به نوعی فرایند زایشی

## مفهوم‌شناسی زایش و باروری در فعالیتهای روزمره زنان روستایی گُرد ایران ❖ ۱۴۵

می‌ماند. گویی در این میان به شکلی نمادین تولدی روی می‌دهد. در واقع مشکزن، تنها یک فعالیت تولیدی انجام نمی‌دهد، بلکه امری آیینی را نیز راهبری می‌کند که در آن مراحل بارگرفتن و زایش به‌صورت نمادین اجرا می‌شود.

تنور در خانه روستایی عنصری مرکزی است که افراد خانواده حول آن گرد هم می‌آیند. در واقع تمام فعالیت‌های خانه اعم از پخت نان و غذا، مشورت و سخن گفتن و جمع شدن خانواده بر گرد تنور صورت می‌پذیرد. اهمیت این نکته از آنجا ناشی می‌شود که تنور منبع گرما و زندگی، بویژه در فصل سرد سال است و به‌دلیل همین موقعیت کانونی و تأکید بیش از اندازه بر مرکزیت آن، تنور گاهی تا حد تقدیس اهمیت می‌یابد؛ به‌طوری که به آن سوگند یاد می‌کنند و نیز دخترانی که به خانه بخت می‌روند، هنگام خروج از خانه پدری به‌منظور دریافت خیر و برکت به تنور ادای احترام می‌آورد. زیرا تنور، خانه را گرم می‌کند، خوراک را فراهم می‌آورد و نان را که قوت اصلی و برکت خانه است، در آن می‌پزند؛ به‌عبارتی عنصری حیات‌بخش است.

تنور در خانه روستایی مردمان گُرد نقش حیاتی دارد. صبحگاه، همگام با طلوع خورشید آتش تنور را می‌افروزند و پس از فراهم آوردن چاشت صبحگاهی آن را برای پخت نان آماده می‌کنند. نان، قوت اصلی و نماد برکت در سفره است و هر مادری موظف است پخت نان را به دختران خود بیاموزد، زیرا پخت نان نیز مخصوص زنان است و معتقدند نان پختن مردان، برکت را از بین می‌برد. همچنین خاموش و سرد شدن تنور به مدت طولانی بدیمن است. بنابراین آتش تنور هر روز افروخته می‌شود تا دود از خانه برخیزد و این دود نشانه حضور زن و تداوم و استمرار حیات است. در جامعه گُرد زن بر روی خاکستر تنور زایمان می‌کند. پخت نان یکی از فعالیت‌های تولیدی زنان است و در حوزه فراوری خوراک روزانه قرار می‌گیرد. در پخت نان ابزار مهم است و آن تنور است که رابطه‌ای ضمنی با شرایط زیستی و جنسیتی زن دارد. پخت نان که مستلزم نظارت و درگیر شدن در کار به‌طور مستمر است، مهم‌ترین و مشکل‌ترین بخش پخت و پز به‌شمار می‌رود. اما مقدم بر آن، ابزاری است که برای پخت نان به کار گرفته می‌شود و آن تنور است. هویت‌بخشی و اجتماعی کردن تنور از طریق مراحل ساخت آن صورت می‌پذیرد. این مراحل در واقع نوعی محرمیت بین زن و ابزار نیز

## ۱۴۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

ایجاد می‌کند؛ به طوری که ابزار به‌عنوان یک شیء اجتماعی و از جنس سازنده و به کار گیرنده آن معرفی و پذیرفته می‌شود. ساخت تنور در فصل بهار و به صورت دسته‌جمعی صورت می‌گیرد. باور عموم بر این است که شرکت تمام زنان روستا در ساختن تنور هر خانه‌ای، سبب برکت‌بخشی به آن خانه می‌شود. زن‌ها با ساختن تنور به صورت گروهی، در واقع یک زهدان عظیم مثالی را بنا می‌نهند که می‌تواند خوراک، گرمی و حیات خانواده را تضمین کند.

زنان کُرد کنشگری خود را در وظایف روزمره خود تجسم می‌بخشند. ولی کنشگری آنان یک‌سویه نیست و از پذیرنده یعنی عناصر طبیعت و از ساخته‌ها و حوزه فعالیت خود نیز می‌خواهند تا با افزایش کارآیی و تأثیر، بر قدرت آنان بیفزاید. در یکی از ترانه‌های شیردوشی گاو سرخ رنگی مورد ستایش واقع می‌شود که شیر فراوان دارد و با تبادل و بده بستان معانی میان کلمات «لای لای» و «نه‌نه‌مه»، در واقع نوعی رابطه مادر و فرزندی بازآفرینی می‌شود که مضمون و محتوایی نوازشگرانه نیز دارد. در واقع زن شیردوش همچنان که هنگام دوشیدن شیر از مادر خود یاد می‌کند، برای کودکی ذهنی نیز به طور ضمنی لالایی می‌گوید و به این ترتیب «مادر بودن» را استمرار می‌بخشد. پیداست که گاو نیز تا بارور نباشد و گوساله‌ای به دنیا نیآورد، نخواهد توانست شیر بدهد. بنابراین این ترانه‌ها خودبه‌خود محتوایی با محوریت زایش می‌یابند و به‌عنوان جزئی لاینفک از فعالیت‌های روزمره تثبیت می‌شوند.

### ۵. جمع‌بندی

مفهوم باروری و زایش در میان کُردها از اهمیت زیادی برخوردار است و در این میان نقش زنان کُرد قابل تأمل است؛ به طوری که فعالیت‌های روزمره آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس، در میان جامعه کُرد، بسیاری از کارها بر طبق آداب و رسوم و برداشت‌شان از مفهوم برکت و باروری انجام می‌شود و از همین رو، برخی کارها مختص زنان است. در این مقاله که سه فعالیت مختص زنان کُرد را از نظر چگونگی بیان مفهوم زایش و باروری مورد مطالعه قرار داده است، مشخص شد که ارتباطی متقابل و موازی میان نقش باروری زن کُرد در جامعه و فعالیت‌های او وجود

## مفهوم‌شناسی زایش و باروری در فعالیتهای روزمره زنان روستایی گُرد ایران ❖ ۱۴۷

دارد. هر سه این فعالیت‌ها به کنشگری زنان مربوط است. زنان گُرد در رابطه با محیط خود سعی در هم‌نوا کردن اشیاء و عملکرد آنها با نقش جنسیتی خود دارند؛ به نحوی که در ارتباط با محیط بتوانند نقش‌های یکدیگر را تقویت کنند. زنان گُرد با توجه به نقش جنسیتی خود در تقسیمات خانواده، به ابزاری که با آن سروکار دارند سروسامان می‌دهند و با آن ارتباط برقرار می‌کنند. آنان در ترانه‌هایی که در حین کار زمزمه می‌کنند، از عناصر طبیعت و ساخته‌های خود می‌خواهند بر برکت و باروری خانه‌شان بیفزایند. مضامینی را که در انتقال مفهوم زایش و باروری در عمل مشک زدن نمایان است، می‌توان این گونه بیان کرد:

مشک که در واقع پوست جانوری بی‌جان است، با مشک زدن جان دوباره می‌گیرد. به عبارتی زن با زدن مشک به آن نیروی حیات و زایش می‌بخشد. چوب مشک در اصطلاح محلی نماد مردانگی و فرزند پسر است و مشک پُر همزمان نماد هم‌آغوشی، بار گرفتن و در آغوش گرفتن فرزند است و خالی کردن مشک نیز نماد زایش و تولد فرزند می‌باشد. به طور کلی مشک‌زنی فعالیتی آیینی است که در آن مراحل بارگرفتن و زایش به صورت نمادین انجام می‌شود و همچنین در حین این فعالیت، ترانه‌هایی به منظور افزایش برکت، فراوانی و باروری از سوی زنان زمزمه می‌گردد.

تنور گرمابخش خانه است و نان که برکت خانه به‌شمار می‌رود، در آن پخت می‌شود، از همین رو اهمیت زیادی در میان مردمان گُرد دارد و می‌توان گفت نماد گرما و خیر و برکت خانه است. ساخت تنور در فصل زایش طبیعت یعنی بهار و به صورت دسته‌جمعی از سوی زنان گُرد صورت می‌گیرد. در خانه زنان روستایی گُرد، آتش تنور هر روز روشن می‌شود و این امر نشان از تداوم و استمرار حیات و زندگی دارد.

دوشیدن شیر گاو و گوسفند نیز برعهده زنان گُرد است که در حین دوشیدن، ترانه‌هایی را زمزمه می‌کنند. این ترانه‌ها ضمن شکر و سپاس به درگاه خدا، از او تقاضای برکت و باروری بیشتر دارند و گاهی نیز مخاطب این ترانه‌ها، مادر است و زمزمه آن در هنگام شیردوشی، مادر بودن را تداوم می‌بخشد. در واقع ترانه‌های زنان گُرد در هنگام شیردوشی، دارای محتوای زایش و باروری است.

### منابع

- انصاری، جمال (۱۳۹۱). آشنایی با فرهنگ عامه و اقوام ایرانی. تهران: سبحان نور.
- بولن، شینودا (۱۳۸۴). نمادهای اسطوره‌ای و روان‌شناسی زنان. ترجمه آذر یوسفی. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- بیتس، دانیل؛ بلاگ، فرد (۱۳۷۵). انسان‌شناسی فرهنگی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- جاوید، هوشنگ (۱۳۸۳). نقش زن در موسیقی مناطق ایران. تهران: سوره مهر.
- جل، آلفرد (۱۳۹۰). هنر و عاملیت. ترجمه احمد صبوری، تهران: موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- سبزیلیپور، جهان‌دوست (۱۳۹۲). «تحلیل اسطوره‌شناختی عروس گولی از آیین‌های باروری گیلان». فصلنامه نقد ادبی. شماره ۲۲. ۱۱۳-۱۳۶.
- ستاری، جلال (۱۳۸۴). سیمای زن در فرهنگ ایران. چاپ سوم. تهران مرکز.
- شهپر، ساره (۱۳۹۶). «آیین‌های زایش در فرهنگ عامه مردم منطقه لارستان». فرهنگ و ادبیات عامه. شماره ۱۷. صص ۲۰ - ۱.
- شهبازی، کیهان، (۱۳۷۹). زن در اساطیر ایران و بین‌النهرین. تهران: فارس.
- صفی‌زاده، فاروق (۱۳۷۵). پژوهشی درباره ترانه‌های کردی. تهران: ایران جم.
- علیزاده، حمید؛ عشایری، طاها (۱۳۹۹). «آیین‌های زایش در فرهنگ و ادبیات عامه استان بوشهر». فرهنگ و ادبیات عامه. شماره ۳۱. صص ۷۲ - ۵۰.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۱). مبانی انسان‌شناسی. تهران: نی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۸). تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی. تهران: نی.
- گروسی، سعیده (۱۳۹۵). جنسیت، جامعه و جامعه‌شناسی. تهران: جامعه‌شناسان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۵). قواعد جدید روش جامعه‌شناختی. ترجمه اکبر احمدی، تهران: جامعه‌شناسان.

مفهوم‌شناسی زایش و باروری در فعالیت‌های روزمره زنان روستایی کرد ایران ❖ ۱۴۹

- مالمیر، تیمور؛ پناهی، فردین حسین (۱۳۹۳). «بررسی و تحلیل آیین‌های باروری در شاهنامه فردوسی» ادب‌پژوهی، شماره ۲۷، صص ۶۷-۴۱.
- مختاریان، بهار؛ شکری، سجاد (۱۳۹۰). «نقش قوچ در آیین‌های وابسته به ایزد بانوی بزرگ در لرستان». پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران. سال ۱، شماره ۱، صص ۱۵۱-۱۳۵.
- نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۸۳). مردم‌شناسی جنسیت. تهران: افکار.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی